

ازدواج آسان، آسان نیست

این روزها ازدواج هم مانند خیلی از مسائل دیگر آسان و کم‌هزینه نیست؛ سر و سامان گرفتن جوانان با حداقل‌ها نیز آنقدر پرهزینه است که جوانان جرات فکر کردن به ازدواج را ندارند.



این روزها ازدواج هم مانند خیلی از مسائل دیگر آسان و کم‌هزینه نیست؛ سر و سامان گرفتن جوانان با حداقل‌ها نیز آنقدر پرهزینه است که همانان، حیات فک کد، به اندام، انداند.

چنانچه زوج جوانی اکنون تصمیم به ازدواج بگیرند و برای کم هزینه بودن شروع زندگی زناشویی خود به قول معروف بی خیال مراسمی مانند جشن یا سفر ماه عسل شوند، باید حداقل حدود 50 میلیون تومان دربساط داشته باشند، چون این روزها با بازار آشفته مسکن باید حداقل 30 میلیون تومان برای رهن آپارتمانی نقلی در جنوب تهران در نظر گرفت یا باید حقوق دریافتی آقای داماد آنقدر صفر داشته باشد که بتواند حداقل در ماه 600 هزار تومان اجاره و شارژ آپارتمان را پرداخت کند، البته او و همسرش باید 20 میلیون تومان هم برای خرید لوازم خانگی مورد نیاز از نوع ایرانی، ارزان ترین سرویس طلا در بازار و دادن یک وعده غذا به خویشاوندان درجه یک کنار بگذارند. با توجه به همین هزینه های حداقلی می توان نتیجه گرفت ازدواج آسان که این روزها همه مسئولان از آن حرف می زنند و براساس آن برای جوانان نسخه می پیچند، فقط در مقام حرف آسان است.

حرف زدن از ازدواج آسان ساده است، اما موقع عمل که می رسد به هیچ وجه نمی توان آن را آسان نامید. زیرا قالب هایی که برای ازدواج آسان در نظر گرفته می شود با سبک زندگی خانواده های امروزی تفاوت دارد. برای نمونه در خیلی از مواردی که به ازدواج آسان ختم نمی شود، پدر و مادر ها نقش پررنگی دارند.

زوج جوانی را در نظر بگیرید که پس از مشورت با یکدیگر تصمیم می گیرند جشن ازدواج خود را در نهایت سادگی برگزار کنند، اما پدر و مادر هر دوی آنها نظر دیگری دارند، برای نمونه پدر داماد می گوید من سال ها در مراسم ازدواج فامیل شرکت کرده و هزینه کرده ام، حالا هم باید برای پسر من جشن بگیرم و دیگران برای او کادو بیاورند!

مادرعروس هم ادعا می کند سال ها انتظار جشن عروسی دخترش را کشیده و محال است تن به جشن مختصری بدهد.

اینجاست که زوج جوان متوجه می شوند اگر نظر اعضای خانواده خود را در ابتدای زندگی شان جدی نگیرند به طور حتم سوءتفاهم های به وجود آمده در آینده زندگی مشترک آنها را تحت تاثیر خواهد گذاشت البته خواسته های پدر و مادرهای زوج جوان اصلا غیرمنطقی نیست، زیرا آنها حق دارند درباره نحوه برگزاری مراسم عروسی فرزندشان تصمیم گیری کنند، اما نکته اینجاست که با توجه به تضاد طبقاتی که در جامعه وجود دارد به قول معروف ریخت و پاش های قشر متمول جامعه ناخودآگاه روی قشر متوسط و ضعیف جامعه نیز تاثیر خواهد گذاشت و به طور حتم آنها را در ابتدای زندگی با مشکل مواجه می کند ولی اگر همه خانواده ها با توجه به وضع اقتصادی خود مراسم معقولی برگزار کنند، بسیاری از مشکلات زوج های جوان برای شروع زندگی مشترک از بین می رود.

آسان نمود اول، ولی...

پای حرف های برخی کارشناسان که بنشینید برای ازدواج آسان راهکارهای زیادی می دهند که فقط روی کاغذ درست از آب درمی آید. به عنوان مثال آنها می گویند عروس خانم مهریه کمی در نظر بگیرد یا زوج های جوان مراسم ساده ای برگزار کنند، اما مشکل اینجاست هیچ کدام از این طرح ها هیچ وقت به صورت پایدار اجرا نمی شود، زیرا زیرساخت ها و سبک زندگی خانواده ها تغییر کرده است.

غلامرضا قاسمی کبریا، مدرس دانشگاه در این باره به «جام جم» می گوید: وقتی سبک زندگی تغییر کرده است، دستکاری آن و ارائه طرح هایی مانند برگزاری مراسم ساده دیگر جوابگو نیست، برای نمونه زندگی آپارتمان نشینی اکنون هزینه های خاص خودش را دارد که در گذشته برای خیلی ها قابل تصور نبوده است؛ مانند پول شارژ، این در حالی است که در گذشته خانه ها شخصی بود و چنین قوانین و هزینه هایی قابل تصور نبود.

با توجه به سخنان این کارشناس می توان نتیجه گرفت اگر مسئولان می خواهند طرحی برای ازدواج آسان ارائه کنند قبل از هر چیز آنها باید سبک کنونی زندگی مردم را بشناسند و با توجه به آن مدل مناسبی را طراحی کنند.

قاسمی کبریا ادامه می دهد: مدل ارائه شده باید با سبک زندگی کنونی مردم سازگار باشد و بتواند مقدمات یک ازدواج آسان را فراهم کند. برای نمونه اکنون محله گرایی در جامعه شهری از بین رفته است، نتیجه هم این شده که خانواده ها برای حفظ زیبایی و جاذبه های زندگی به تنوع طلبی روی آورده اند، این ماجرا هزینه زیادی را به خانواده ها تحمیل می کند.

تغییر سبک زندگی مشکل است

نکته اینجاست که بیشتر کارشناسان از تغییر سبک زندگی خانواده ها حرف می زنند، اما هیچ کدام نمی دانند در برابر تغییر سبک زندگی خانواده ها باید چه راهکاری را در پیش گرفت.

محسن ایمانی، عضو هیات مدیره دانشگاه تربیت مدرس درباره مشکلاتی که مانع ازدواج آسان می شود به جام جم می گوید: مشکل ما فرهنگی است، ولی متأسفانه تغییرات فرهنگی زود اتفاق نمی افتد، سعدی در این بیت معروف را دارد؛ سعدی

به روزگاران مهری نشسته در دل / بیرون نمی توان کرد، الا به روزگاران. با توجه به همین بیت می توان گفت مهر برگزاری ازدواج های پرهزینه طی سال ها به دل خیلی از خانواده ها نشسته بنابراین به آسانی نمی توان آن را از دلشان بیرون کرد. در واقع در این مدت خیلی از افراد به زندگی تجملی، برگزاری مراسم پرزرق و برق و خریدن افراطی زیورآلات گرایش پیدا کرده اند. البته باید یادآور شد گرایش به زیبایی و راحتی چیز بدی نیست، اما وقتی رنگ و بوی افراطی به خود بگیرد و با چاشنی چشم و هم چشمی همراه شود، به خطر بزرگی برای خانواده ها بدل می شود.

کار فرهنگی همه جانبه

برخی کارشناسان بر این باورند برای رواج ازدواج آسان بین خانواده ها باید شرایطی فراهم شود که سبک زندگی خانواده ها تغییر کرده و مانند گذشته محله محور شود، اما این کار نیاز به کار فرهنگی و اعتبار بالایی دارد.

قاسمی کبریا عنوان می کند: در کشور ما برخی رسانه ها در این باره کار فرهنگی انجام می دهند، اما در بعضی از رسانه ها موضوع های ضد و نقیضی مطرح می شود به همین دلیل باید رسانه ها به طور هماهنگ هدف مشترکی را دنبال کنند. تغییر سبک زندگی هزینه بر است و به برنامه کاملی نیاز دارد، مشکل اینجاست کشورهای دیگر زندگی سنتی خود را مدرن کرده اند، اما ما با تفکر شرقی می خواهیم زندگی غربی داشته باشیم. برای نمونه همه از آپارتمان نشینی گله دارند، چون ما الگوی اشتباهی را از آپارتمان نشینی غربی ها برداشته ایم. آنها فضای آپارتمان ها را با توجه به نیازهایشان طراحی می کنند، اما اینجا به این شکل نیست.

اگر برای رفع مشکل نخواهیم سبک زندگی را دستکاری کنیم با مشکل دیگری روبه رو هستیم، زیرا سبک زندگی تغییر کرده و انتظارات سابق در این نوع سبک زندگی به نتیجه نمی رسد، به همین دلیل مسئولان باید با توجه به نیازهای عاطفی افراد جامعه طرح جدیدی را ارائه کنند.

ایمانی عنوان می کند: نسل جوان باید توجیه شود ازدواج پرهزینه چه دشواری هایی دارد، آنها باید کاملاً نسبت به عواقب بدهکاری در ابتدای زندگی آگاه شوند، زیرا خیلی دور از ذهن نیست که زوج های جوان در ابتدای زندگی به دلیل بدهکار بودن نسبت به تغذیه خود بی تفاوت شده و دچار سوءتغذیه شوند، این ماجرا روی وضع کودک آنها نیز به طور حتم تاثیر خواهد گذاشت. افزون بر این باید جوانان از مزایای ازدواج آسان مانند آرامش روانی بیشتر بدانند.

قاسمی کبریا معتقد است، جوانان باید ازدواج آسان را باور کرده و به سمتی بروند که زندگی پله ای را شروع کنند، نه زندگی قله ای. او می افزاید: نباید به این شکل باشد که جوانان فکر کنند در ابتدای زندگی باید خودرو، خانه و امکانات کامل را یکجا داشته باشند.

این در حالی است که کانون های ازدواج آسان نیز در کشور فعالیت می کنند، اما آن طور که باید و شاید نتیجه نمی گیرند. کبریا درباره کارایی این کانون ها می گوید: کار این کانون ها نتیجه بخش نیست، زیرا آنها با شرکت های ارائه دهنده، خدمات وارد مذاکره شده و چند درصد تخفیف می گیرند، اما نکته اینجاست که خود خانواده ها هم می توانند این تخفیف ها را از فروشنده ها بگیرند.

متاسفانه امروزه ازدواج آسان نیز پرهزینه است، زیرا بین درآمد و هزینه شهروندان هماهنگی وجود ندارد و دستمزد کارگران و کارمندان بسیار پایین تر از هزینه های زندگی است. به همین دلیل دولت باید با حمایت بیشتر از شهروندان آنها را در راه رفع نیازهایشان یاری کند. نکته دیگری که می توان به آن اشاره کرد مشکل مدیریت فرهنگی هماهنگ در کشور است که با توجه به فاصله طبقاتی در کشور بستر را برای توسعه فرهنگ اشتباه مانند چشم و همچشمی فراهم کرده است. این درحالی است که باید تاکید کرد برای شروع یک زندگی مشترک به حداقل هایی نیز نیاز است که اگر فراهم نشود زندگی مشترک خیلی زود با مشکل روبه رو خواهد شد. برای نمونه، داشتن شغل و درآمد ثابت، رسیدن به بلوغ فکری و با آگاهی کامل ازدواج کردن از حداقل هایی است که زوج های جوان باید به آن توجه کرده و از احساسی تصمیم گرفتن پرهیز کنند.

مشکلات مالی، سد ازدواج

بیشتر جوانان، مشکلات اقتصادی را مانع اصلی ازدواج و تشکیل خانواده می دانند. آنها از نزدیک مشکلات مالی خانواده ها را دیده و از خطراتی که بی پولی می تواند برای آنها به وجود بیاورد، کاملاً آگاه هستند به همین دلیل سعی می کنند تا آنجا که برایشان مقدور است تن به ازدواج ندهند، اما مشکل اینجاست هر چه سن جوانان بالا برود آنها کمتر به تشکیل خانواده تمایل پیدا می کنند.

ابراهیم نکو، دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس در این باره به جام جم می گوید: جوان می ترسد مشکلاتی که امروزه گریبان خانواده او را گرفته دیر یا زود سراغ او نیز بیاید. او می بیند پدر یا مادر خانواده درآمد کمی داشته و افزون بر این امنیت شغلی نیز ندارند.

به گفته نکو، امروزه بسیاری از شرکت های خصوصی، کارخانه ها و سازمان های دولتی و نیمه دولتی به دلیل مشکلات اقتصادی، کارگران و کارمندان خود را اخراج کرده یا در فکر تعدیل نیرو هستند، بنابراین جوانان حاشیه امنی برای تشکیل خانواده احساس نکرده و روز به روز سعی می کند رویاهای خود را به فراموشی بسپارد.

نکو درباره حداقل ها برای تشکیل یک زندگی مشترک می گوید: به نظر من اگر زوجی بخواهد زندگی متوسطی را شروع کند باید علاوه بر صاحبخانه بودن حدود 50 میلیون تومان نقدینگی داشته باشد، تا حدوداً احساس رضایتمندی کند.

بنابراین باید گفت چنانچه مسئولان دغدغه مشکلات جوانان را دارند باید با ایجاد اشتغال و در نظر گرفتن دستمزد های عادلانه

جوانان را به ازدواج تشویق کنند. زیرا به گفته نکو براساس آمار حدود سه میلیون جوان بیکار در کشور وجود دارد که بسیاری از آنها تحصیلکرده هستند و باید شغل مناسبی برایشان ایجاد کرد.

دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس یادآور می شود: پرداخت وام های بلاعوض می تواند به جوانان کمک کند، او در پاسخ به این مساله که در شرایطی که حدود یک میلیون جوان در انتظار گرفتن وام ازدواج هستند، صحبت از پرداخت وام های بلاعوض دور از ذهن است، تاکید می کند: باید مسئولان در این خصوص برنامه ریزی کنند، اکنون فقط حدود 11 هزار میلیارد تومان از تسهیلات بانک ها در دست 23 نفر است و جالب اینجاست آنها با این تسهیلات هیچ کار اقتصادی انجام نداده اند. بهتر بود به جای پرداخت وام به این افراد این تسهیلات در اختیار جوانان قرار می گرفت.

مهدی آیینی - گروه جامعه